

سینماسوزی در ایران

عباس بهارلو

فهرست

- یادداشت..... ۷
- نخستین آتش سوزی‌ها..... ۱۱
- آتش سوزی در سینما صنعتی..... ۱۳
- تصویب نخستین نظام‌نامه سینما..... ۱۸
- آتش سوزی سینما مایاک..... ۱۹
- آتش سوزی در سینما ستاره به دلیل فعالیت‌های سیاسی..... ۱۹
- سوختن سینما آپولن..... ۲۱
- کش مکش سیاسی پیرامون سینما شهرزاد مشهد..... ۲۲
- خسارت به سینما متروپل مشهد در روزهای کودتا..... ۲۵
- سینما تاج همدان طعمه حریق و طمع مالکان..... ۲۶
- سینما پارک و مجاورت با مسجد هدایت..... ۲۸
- سوختن سینمای مهاباد..... ۳۰
- حریق در سینما مولن‌روژ..... ۳۱
- ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و تخریب سینماها..... ۳۱
- آتش سوزی در سینما البرز تهران و سینما شهرزاد سبزوار..... ۳۲
- سینما تهران و هتل پالاس در آتش..... ۳۳
- آتش سوزی‌های زنجیره‌ای چهل‌وهشت..... ۳۵

۶۳.....	انفجار و آتش سوزی های پراکنده
۶۴.....	موج تبدیل سینما به مسجد
۷۲.....	مخالفت با افتتاح سینما در قم
۷۹.....	بمب گذاری در دراپوین سینمای ونک
۸۰.....	آتش سوزی های روزهای انقلاب
۱۰۶.....	باز هم انفجار و آتش سوزی
۱۰۸.....	سینما آزادی در آتش
۱۰۹.....	سوختن سینما جمهوری و کافه آنتراکت
۱۱۱.....	آلبوم عکس ها و سندها
۱۳۱.....	فهرست اعلام

یادداشت

از زمان نخستین آتش سوزی سینما در تهران («تماشاخانه ناصریه»)، متعلق به امیرخان جوانشیر، در رمضان ۱۳۲۷ق/ شهریور ۱۲۸۸ش) تا آتش سوزی های گسترده سینماها در ماه های منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ حدود هفتاد سال فاصله است. در این فاصله و در سال های بعد از آن سینماهای بسیاری طعمه حریق شدند که اغلب به عنوان حوادثی کمابیش ساده و معمولی تلقی می شدند؛ اگرچه دست کم صاحبان سینماها را به خاک سیاه می نشانند؛ گاهی هم مثل سال ۱۳۴۸ سینما سوزی هایی روی داد که ساده گرفته نشدند. دلایل این آتش سوزی ها نه فقط در روایت های مطبوعات، بلکه حتی در گزارش های شرکت های بیمه، بازرسان اداره آتش نشانی، سازمان دفاع غیر نظامی، وزارت فرهنگ و هنر، سندیکای سینماداران و مأموران سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) نیز هیچ گاه دقیقاً روشن و فاش نشدند، و به صورت معما باقی ماندند. بعدها، با درگرفتن اعتصاب ها و تظاهرات بزرگ عمومی در روزهای انقلاب ۱۳۵۷، شعله خشم گروه هایی از مردم دامن سینماها را نیز گرفت و سوزاندن زنجیره ای تالارهای سینما به دست کسانی صورت می گرفت که اغلب، تا چند صباحی پیش از آن، مشتری های همان سینماها بودند؛ اما در این میان

در هر تحقیقی منابع یا مآخذ باارزشی هست که یافت نمی‌شوند یا عجالتاً خودشان را از نظر ما پنهان می‌کنند. این منابع یا مآخذ تا ابد دور از دست‌رس باقی نمی‌مانند و دیربازود در برابر جست‌وجو و شکیبایی ما تاب مقاومت از دست می‌دهند. این مسیری است که پیش پای هر محقق، کمابیش در هر زمینه‌ای، گسترده است؛ خواه سرانجام نتیجه را به صورت یک رأی معین از کار در بیاورد یا در نیاورد. باید بگویم که نگارنده این دعوی را ندارد، و گزارش خود را بری از هرگونه تردید و تناقض نمی‌داند. با این حال امیدوار است که خوانندگان با مطالعه این کتاب با تصویر کمابیش زنده‌ای از رویدادهای ناخوشایند سینماسوزی در ایران مواجه شوند، تصویری که اگرچه همه‌جانبه و تمام‌وکمال نیست چه بسا بتواند پیچیدگی و آشفتگی گوشه‌هایی از صحنه‌های واقعی را ترسیم کند.

در پایان اشاره به دو نکته را هم ضروری می‌دانم: اول، به جز پاره‌ای غلط‌های مطبوعه و املائی، رسم‌الخط اکثر سندها، نامه‌ها و گزارش‌های مطبوعات به سیاق اولیه و اصلی ثبت شده است؛ دوم، سینماها و خیابان‌ها در هر دوره‌ای با نام‌هایی که شناخته می‌شدند ثبت شده‌اند، و برای خواننده‌ای که این نام‌ها را به جا نمی‌آورد در پانویس نام‌های بعدی درج شده است.

عباس بهارلو

آذر ۱۳۹۶

نخستین آتش‌سوزی‌ها

در ماه رمضان ۱۳۲۷ ق/ شهریور ۱۲۸۸ ش یکی از شاگردان روسی‌خان (ایوانف یا فتودوروویچ گرجی)، از اولین مؤسسان سینما در ایران، به نام امیرخان جوانشیر با افتتاح «تماشاخانه ناصریه» تلاش کرد پای شاگردان مدارس را به سالن سینما باز کند. («ایران نو»، شماره ۲۳، دوشنبه ۴ رمضان ۱۳۲۷ ق، ص ۱) از نشانه‌ها چنین برمی‌آید که محمدعلی جمال‌زاده برای تماشای فیلم به این سالن هم رفته بوده است: «در سال ۱۳۲۷ قمری در خیابان ناصریه^۱، رویه‌روی در مدرسه دارالفنون، جنب عکاس‌خانه عبدالله قاجار، سینمایی دایر شده بود. روزی من به اتفاق یکی از دوستانم به این سینما رفتیم. دالان درازی بود و ده‌پانزده متری طول داشت، و پرده در انتهای دالان بود. در دو طرف دیوار نیمکت‌های چوبی بود و حدود شصت‌هفتاد نفری مرد جوان نشسته بودند. روی پرده من فصل فیلم نشان داده می‌شد. من و دوست جوانم که وارد شدیم، یک واگن خط آهن دودکنان از رویه‌رو به تماشاگران نزدیک می‌شد و مدام بزرگ‌تر و مهیب‌تر

۱. خیابان ناصرخسرو.

می‌شد؛ خیلی ترسیدیم. دادویداد بلند شد و شکر خدا معلوم شد که خطری ما را تهدید نمی‌کند.» (نک: بهارلو، عباس، «روزشمار سینمای ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه»، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۹، ص ۱۶)

اما پاره‌ای از گزارش‌ها گویای آن است که در همان روزها خطرهای دیگری در کمین تماشاگران «سینماتوگراف» بود. اگر تصویر حرکت مهیب واگن بر خط آهن فقط تماشاگران را می‌ترساند، «سوختن فیلم‌های سینوماتوگراف»، که از جنس نیترات بودند، گاهی جان آن‌ها را تهدید می‌کرد؛ حتی در همین «تماشاخانه ناصریه». «پریشب در تماشاخانه سینوماتوگراف امیرخان در خیابان ناصریه چهار فیلم «عکس‌های متحرک» سینوماتوگراف بواسطه کند چرخاندن ماشین از اثر حرارت زیاد چراغ می‌سوزد. امیرخان می‌خواسته است خاموش کند که دست چپ او هم کمی می‌سوزد. قیمت این چهار فیلم به چهار صد تومان بالغ می‌شود.» («ایران نو»، شماره ۳۳، ۱۷ رمضان ۱۳۲۷ق، ص ۲) این نخستین گزارشی است که تا به امروز از سوختن یک سالن سینما به دست آمده است.

دوازده سال پس از این ماجرا، در روز شنبه ۷ شعبان ۱۳۳۹ق/۲۷ فروردین ۱۳۰۰ش، چند روز بعد از لغو حکومت نظامی حاصل از کودتای ۱۲۹۹ و تعیین ساعت‌های رفت‌وآمد در شهر، «سینما خورشید» در «گراند هتل» افتتاح شد. («ایران»، شماره ۱۷۰، ۲۵ حمل ۱۳۰۰ش، ص ۴) از قرائن این طور برمی‌آید که آتش‌سوزی در این سینما و سوختن پاره‌ای از فیلم‌های نیترات سبب شد که تجهیزات آن به طبقه فوقانی عمارت فاروس در خیابان لاله‌زار منتقل شود. متن اعلان فعالیت مجدد «سینما خورشید» در پنج‌شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۰۲ به این آتش‌سوزی اشاره دارد: «سینمای خورشید. در سالون عمارت فوقانی فاروس. خدمت آقایان محترم عرض می‌شود بعد از حریق نود هزار متر فیلم سینمای خورشید نتوانست از خدمت به معارف خودداری نماید لهذا مجدداً به زحمات زیاد فیلم‌های جدید وارد

نمود. خواهشمندم تشریف‌فرما شده برای دیدن فیلم‌های جدیدالورود چون خیلی قابل توجه می‌باشند - رمان‌های تاریخی - درام‌های علمی و اخلاقی فیلم‌های جنگی بین‌المللی (بحری - تحت‌البحری - آسمان‌پیمایی) و درام‌های مضحک خنده‌دار شروع می‌شود از لیله جمعه اول مغرب و دو سیانس داده می‌شود برای اهل نظام و شاگردان مدارس تخفیف داده می‌شود - سینمای اخلاقی برای شاگردان مدارس بسیار نافع و مفید است چنانچه در تمام فرنگستان مرسوم است.» («ستاره ایران»، شماره ۱۱۴، ۱۱ دلو ۱۳۰۲ش، ص ۴)

آتش‌سوزی در سینما صنعتی

مهیب‌ترین آتش‌سوزی سال‌های سلطنت پهلوی اول در «سینما صنعتی» (خیابان لاله‌زار) رخ داد که در دوم اردی‌بهشت ۱۳۰۷ توسط کلنل علی‌نقی وزیری و با هم‌کاری خان‌بابا معتضدی در سالن مدرسه عالی موسیقی افتتاح شده بود و در روزهای شنبه، یک‌شنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه برای بانوان فیلم نمایش می‌داد. «سینما صنعتی» با نمایش نخستین قسمت از سریال **عقاب سیاه** در ساعت شش و نیم بعدازظهر یک‌شنبه آغاز به کار کرد، و در هشتم مهر همان سال، هم‌زمان با نمایش فیلم **دزد بغداد** (رائول والش، ۱۹۲۴)، در ساعت هفت و نیم بعدازظهر طعمه حریق شد؛ اما به کسی آسیب نرسید. متعاقب این حادثه پاره‌ای از نویسندگان مطبوعات و دولت‌مردان از افتتاح سینمای مختلط زنانه و مردانه سخن گفتند، تا در صورت تکرار چنین حوادثی زنان به کمک مردان از مهلکه بگریزند. متن یکی از گزارش‌ها از این قرار است: «دیشب حریق خطرناکی در سالون مدرسه صنعتی در موقع نمایش سینما رخ داد، سالون سینما و تالار مجاور آن طعمه حریق گردید. نمایشاتی که در این سینما داده می‌شود مخصوص خواتین محترمه و فیلم‌های اخلاقی برای آشناسدن خانم‌ها به